

تحلیل جرم ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی و جرائم وابسته

حسن پوربافرانی*

استادیار گروه حقوق جزا دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

حیدر منصوری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۸/۲۱)

چکیده:

مقنن در جهت حمایت کیفی از آثار فرهنگی - تاریخی کشور در سال ۱۳۸۸ ماده‌ای را تحت عنوان ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی تصویب کرد که به موجب آن سه عمل «ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی-تاریخی»، «معرفی، حمل یا نگهداری» و «خرید» این اشیا را جرم شناخته است. این جرم‌انگاری‌ها لازم و مفید بوده، لیکن ایراداتی به نحوه جرم‌انگاری آنها وارد است که در متن مقاله به بررسی آنها خواهیم پرداخت؛ از جمله اینکه در جرم خرید این آثار صرفاً به «خرید» اشاره شده و طرق دیگر تحصیل آنها جرم شناخته نشده است.

واژگان کلیدی:

آثار تاریخی، آثار تاریخی تقلبی، آثار فرهنگی تقلبی، خرید آثار تقلبی، نگهداری آثار تقلبی.

مقدمه

آثار فرهنگی - تاریخی یک کشور از ابعاد مختلفی دارای اهمیت است؛ این آثار از آن جهت که یکی از اساسی‌ترین ارکان پیوند یک کشور با گذشته خویش است، میراث معنوی یک کشور بشمار آمده و نیازمند حمایت است. از طرفی با توجه به ارزش‌های مادی این آثار همواره افراد سودجو به دنبال تعرض به آنها بوده و می‌باشند. به همین جهت ملاحظه می‌کنیم که کشورهای مختلف هم در قالب قوانین داخلی و هم در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی در صدد حمایت از این آثار برآمده‌اند. در حقوق کیفری ایران هم از اولین دوره‌های قانونگذاری شاهد حمایت مقنن از این آثار هستیم؛ ماده ۱۲۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ ناظر به تخریب «ابنیه و آثار مذهبی یا ملی یا تاریخی» بود. به موجب این ماده «هر کس نسبت به ابنیه و آثار مذهبی یا ملی یا تاریخی یا به اشیایی که برای نفع عموم یا تزئین اماکن مقدسه یا ملی نصب شده است، خرابی وارد آورد، به حبس مجرد از دو تا ده سال و تادیه ضعف مخارجی که برای مرمت خرابی آن لازم است، محکوم خواهد شد». متعاقباً قانونگذار به موجب قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ به نحو کامل‌تری به حمایت از آثار فرهنگی-تاریخی پرداخت. بعد از انقلاب هم حمایت کیفری از آثار فرهنگی - تاریخی ادامه پیدا کرد، به نوعی که می‌توان در خصوص این حمایت کیفری از قوانینی همچون «لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام حفاری‌های غیرمجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه و آثار تاریخی» مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۷ شورای انقلاب و نیز مواد ۴۶ و ۴۷ قانون تعزیرات، که ماده اخیر شامل ۹ بند و ۲ تبصره می‌باشد، نام برد.

در عین حال در هیچ‌کدام از این قوانین رد پایی از جرم «ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی» و جرائم وابسته به آن نمی‌توان یافت. تنها ماده قانونی که می‌توان آن را تا حدودی مرتبط با جرم مذکور دانست، ماده ۱۲۱ قانون تعزیرات است که به موجب آن «هرکس جنسی را به جای جنس دیگر قلمداد کند یا کم بفروشد و به‌طور کلی هر کس مشتری را از حیث کمیت یا کیفیت مبیع فریب دهد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. این مجازات درباره کسانی که اشیاء نوساخته را به جای اشیاء عتیقه قلمداد و مشتری را فریب دهند نیز مقرر است». مقنن این ماده را ذیل فصل مربوط به «دسیسه و تقلب در کسب و تجارت» آورده است. از توجه به جایگاه این ماده و نیز فحوی آن، این مطلب کاملاً قابل استنباط است که مقنن در این ماده به دنبال حمایت کیفری از مشتری است. در عین حال ذیل این ماده را که برای افرادی که اشیاء نوساخته را به جای اشیاء عتیقه قلمداد کنند، مجازات مقرر کرده، می‌توان به نوعی سابقه تقنینی برای جرائم مورد بحث مقاله بشمار آورد. لیکن همان‌طور که می‌دانیم این قانون برای مدت پنج سال به صورت آزمایشی به تصویب رسیده

بود و در قانون جایگزین آن یعنی قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) اثری از این مقرر نیست. با این وصف «ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی و همچنین معرفی، حمل، نگهداری یا خرید آنها» تا زمان تصویب ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۸ جرم نبود و این امر زیان‌های زیادی را متوجه سرمایه‌های فرهنگی و تاریخی کشورمان می‌کرد. به هر حال در این تاریخ به این خلأ تقنینی پایان داده شد و این اعمال که با توجه اثرات زیانبار آن بر میراث فرهنگی و تاریخی کشور از زمره جرائم علیه آسایش عمومی کشور محسوب می‌شوند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ۲۰۸)، جرم شناخته شدند. در این مقاله به بررسی نقاط ضعف و قوت این ماده خواهیم پرداخت. با توجه به اینکه این ماده خود بیانگر سه جرم «ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی»، «معرفی، حمل یا نگهداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی» و «خرید نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی» است، به ترتیب با روش تجزیه و تحلیل ارکانی هر کدام را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- جرم ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی

۱-۱- رکن قانونی

به موجب ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی: «هرکس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد ... به حبس از ۹۱ روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود.

تبصره ۱- نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می‌گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آنکه نمونه اصلی وجود داشته باشد، به‌عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲- چنانچه شیء تقلبی، نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌گردد.

تبصره ۳- اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می‌گردد؛ حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون ضبط شده نیز می‌گردد».

۱-۲-۱- رکن مادی جرم

رکن مادی این جرم شامل اجزای متعددی است که به شرح ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱-۲-۱-۱- عمل مرتکب

عمل مرتکب در جرم مورد اشاره عبارت از ساختن یا خلق کردن نمونه تقلبی یک اثر فرهنگی- تاریخی است. این امر بدون تردید صرفاً با فعل مادی (نه ترک فعل) محقق می‌شود. در واقع مرتکب با فعل خود مبادرت به ایجاد شبیه یک اثر فرهنگی-تاریخی کرده و به نوعی در این کار به واژگون کردن حقیقت می‌پردازد. مقنن هم در این ماده برای بیان عمل مرتکب از عبارت «به جای اثر اصلی بسازد» استفاده کرده است. در ساختن یک نمونه تقلبی و قلمداد کردن آن به جای اصل، دو فرض را می‌توان متصور شد: الف) اثر اصلی واقعاً و در عالم خارج وجود دارد و شخص با در نظر گرفتن آن اقدام به شبیه سازی و به اصطلاح کپی برداری می‌نماید و این‌طور وانمود می‌کند که اثر اصلی است؛ مثلاً شخصی با مد نظر قرار دادن منشور کوروش که یک اثر تاریخی- فرهنگی است، مبادرت به شبیه‌سازی می‌کند و آن را به عنوان اثر اصلی قلمداد می‌کند؛ ب) فرض دوم اینکه، در عالم واقع، شیء ساخته شده نمونه اصلی و حقیقی ندارد و شخص بر اساس تصورات و ذهنیات خویش دست به آفرینش و خلق آن زده و آن را اصل و مربوط به یک دوره خاص از تاریخ معرفی می‌کند؛ به عنوان مثال شخصی با نوشتن مطالبی بر روی پوست آهو و انجام یک سری فعل و انفعال آن را به عنوان نامه یا فرمانی قلمداد می‌کند که از طرف یکی از شاهان مربوط به ادوار گذشته صادر شده بدون اینکه در واقع چنین نامه یا فرمانی وجود داشته باشد. در هر صورت و بنا بر تصریح ماده صرف ساخت یک شیء و جا زدن آن به عنوان اثر تاریخی اعم از اینکه واقعاً چنین شیئی وجود داشته باشد یا نه جرم موضوع این ماده است.

۱-۲-۲- خصوصیات عمل مرتکب

عمل مرتکب که به شرح فوق مورد مطالعه قرار گرفت، باید تمامی ویژگی‌های سه گانه ذیل را داشته باشد. در غیر این صورت و حتی به فرض فقدان یکی از این شرایط، جرم ساخته شدن نمونه تقلبی آثار فرهنگی- تاریخی محقق نمی‌شود:

الف- ساخته شدن به جای اصل

مقنن در ماده تصریح دارد به اینکه «به جای اثر اصلی بسازد». پس اولین ویژگی که عمل مرتکب بایستی داشته باشد، ساخته شدن نمونه تقلبی به جای اثر اصل است؛ بنابراین اگر کسی

شبیه یک اثر تاریخی را به صورت کاملاً دقیق هم بسازد ولی آن را به جای اثر اصل نساخته باشد، مرتکب جرم موضوع این ماده نشده است؛ به عنوان مثال شخصی با نهایت دقت و رعایت شباهت یک شمشیر متعلق به یکی از شخصیت‌های ملی یا مذهبی گذشته را ساخته ولی آن را به عنوان هنرنمایی و اینکه آن اثر بدلی یادآور آن اثر اصلی باشد، ساخته است. بدیهی است مقنن نباید جلوی این قبیل هنرنمایی‌ها را، که بعضاً نشانه ارادت به آن اثر اصلی و صاحب آن است، بگیرد. مضافاً که افرادی اشتغال به این امور داشته و شایسته نیست که مقنن آنها را از کارشان محروم کند. لذا اگر نمونه بدلی ساخته شده واقعاً به عنوان بدل ساخته شده باشد، جرم موضوع این ماده محقق نیست. اما با توجه به اینکه از لحاظ عملی اثبات این امر که آیا نمونه بدلی به جای اصل ساخته شده است یا خیر، مشکل است و راه سوء استفاده را هموار می‌کند، قانونگذار در ذیل تبصره ۱ این ماده گفته است: «و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل بر روی آن حک نشده باشد.» با این وصف اصل بر آن است که اثر ساخته شده، تقلبی است و جرم موضوع این ماده بشمار می‌آید، مگر اینکه سازنده آن یا سازمان میراث فرهنگی علامتی را که بیانگر بدلی بودن آن است، روی آن حک کرده باشد. بدیهی است با وجود این تبصره مانعی هم برای فعالیت هنرمندان و اهل فن و شاغلین به این امور برای ابراز تخصص و هنرنمایی و حتی برای عرضه و فروش این اشیاء به عنوان بدل وجود ندارد فقط آنها ملزم‌اند که در صورت ساخت چنین آثاری برای اینکه مشمول این ماده قانونی نشوند، آثار ساخته شده را مهور به مهر یا علامتی نمایند که مشخص کند این اشیا بدلی هستند.

ب- ساخته شدن در دوره معاصر

مطابق تبصره ۱ ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی: «نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می‌شود که در دوره معاصر ساخته شده ...»؛ بر اساس این تبصره، شرط است که نمونه تقلبی در دوره معاصر ساخته شده باشد. مفهوم دوره معاصر، که مقنن به آن اشاره نموده، چندان واضح به نظر نمی‌رسد و دارای ابهام است. برای روشن شدن مفهوم آن از یک سو می‌توان به کتب تاریخی و از سوی دیگر به قوانین مرتبط با آثار تاریخی - فرهنگی مراجعه کرد؛ کتب تاریخی که در ارتباط با دوران تاریخ معاصر نگارش یافته است، شروع این دوران را هم زمان با تاسیس سلسله قاجار می‌دانند (آوری پیتز، ۱۳۶۳، ۲۹). بدون تردید نمی‌توان منظور قانونگذار از دوران معاصر را همان مفهومی دانست که مدنظر مورخین است؛ چرا که بسیاری از آثار به وجود آمده در دوران قاجاریه دارای حیثیت تاریخی - فرهنگی است. پس به ناچار برای روشن شدن مفهوم این اصطلاح باید به قوانین مربوطه رجوع کرد. از لحاظ قوانین مرتبط با آثار

فرهنگی تاریخی، آثار ساخته شده به دست انسان را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود: الف) آثار ساخته شده توسط گذشتگان که دارای حیثیت تاریخی - فرهنگی است؛ ب) آثار ساخته شده در دوره معاصر که دارای چنین ویژگی‌هایی نمی‌باشد. برای تمییز این دو دسته از آثار باید از ملاک‌های قانونی که مقنن به دست داده است، استعانت جست. مطابق با قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ که اولین قانون تصویب شده در این زمینه است، آثاری دارای جنبه تاریخی است که تا پایان دوره سلسله زندیه در ایران ساخت و ایجاد شده باشد (ماده ۱).

در سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی، لایحه قانونی راجع به جلوگیری از حفاری‌های غیر مجاز را تصویب کرد. براساس این قانون، اشیاء عتیقه و آثار تاریخی به اشیایی گفته می‌شود که یکصد سال یا بیشتر از ساخت آنها گذشته باشد. بدین ترتیب شرط قدمت مندرج در ماده ۱ راجع به حفظ آثار ملی به‌طور ضمنی نسخ شد (صمدی، ۱۳۸۲، ۱۹۹). آئین نامه اموال فرهنگی هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب سال ۱۳۸۱ نیز در ماده ۱ خود همین شرط یکصد سال یا بیشتر را پذیرفته است. با توجه به این قوانین می‌توان گفت که منظور قانون‌گذار از دوره معاصر، یکصد سال اخیر است و منظور از آثار تقلبی ساخته شده در دوره معاصر آثاری است که در کمتر از یکصد سال اخیر به عنوان اثر اصلی ساخته شده است. البته لازم به ذکر است که اگر شخصی نمونه تقلبی این آثار را قبل از لازم الاجرا شدن این قانون ساخته باشد، بنا بر اصل «عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری» نمی‌توان او را تحت تعقیب قرار داد، ولی اگر بعد از ساخت این اثر را نگهداشته و به اصطلاح نگهداری کرده باشد و این نگهداری تا زمان لازم الاجرا شدن این قانون تداوم یافته باشد، تحت عنوان نگهداری نمونه تقلبی قابل تعقیب است.

ج- وجود شباهت کامل با آثار فرهنگی - تاریخی اصیل

ویژگی سوم وجود شباهت در جزئیات بین اثر ساخته شده و اثر فرهنگی - تاریخی اصیل است. در این خصوص در تبصره ۱ ماده ۵۶۶ مکرر گفته شده: «نمونه تقلبی به اشیایی اطلاق می‌گردد که... از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آنکه نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود...». لکن سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که این شبیه سازی باید تا چه میزانی باشد و آیا شیء تقلبی ساخته شده باید کاملاً شبیه اثر اصلی باشد یا شباهت نسبی نیز کفایت می‌کند؟ در جرم قلب سکه مطابق نظر غالب حقوقدانان و همچنین رویه قضائی غالب، یک شباهت ظاهری و نسبی که بتواند یک خریدار عادی را به اشتباه بیندازد، برای تحقق مسئولیت کافی است (پاد، ۱۳۵۵، ۸۲؛ پوربافرانی، ۱۳۸۹، ۱۷۲). اما در ارتباط با جرم ساختن نمونه

تقلبی اموال تاریخی فرهنگی با توجه به تبصره فوق الذکر و در راستای پاسخ به سؤال طرح شده می توان دو دیدگاه را مطرح ساخت:

۱) در تحقق این جرم یک شباهت نسبی و ظاهری که بتواند افراد عادی را به اشتباه انداخته و آنان را فریب دهد کفایت می کند.

۲) دیدگاه دوم این است که برای تحقق این جرم ضروری است که شباهت، واقعی بوده و مابین شیء ساخته شده و اثر اصلی شباهتی بیش از شباهت ظاهری باشد به نحوی که نوعاً افراد آگاه در زمینه آثار باستانی را فریب دهد.

از بین دو دیدگاه مطرح شده دیدگاه دوم منطقی تر و با نظر قانونگذار سازگارتر است؛ چرا که اولاً بر خلاف جرم قلب سکه که مقنن فقط عبارت «...شبه هر نوع مسکوک داخلی یا خارجی...» (ماده ۵۱۸ ق.م.ا) را آورده، در تبصره ۲ ماده مذکور با برشمردن اوصاف یک شیء مانند جنس، وزن، اندازه، خطوط و نقوش، من حیث المجموع آنها را در نظر داشته و شبیه سازی را در آنها ضروری دانسته و این چیزی بیش از یک شبیه سازی نسبی و ظاهری است. ثانیاً فرض آن است که مقنن، حکیم بوده و هیچ عمل نسنجیده ای را انجام نمی دهد و اگر نظر وی بر یک شباهت نسبی بود چه احتیاجی داشت که به تک تک اوصاف فوق تصریح کند، کافی بود همانند جرم قلب سکه فقط اشاره به شباهت کرده و به این نحو اصل موجز نویسی را که یکی از اصول قانون نویسی است مراعات کند. ثالثاً دیدگاه دوم مطابق با اصول تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم نیز می باشد. با این اوصاف در مواردی که شخصی، اثری را ساخته و آن را به عنوان اثر اصلی معرفی می نماید اما از حیث یک سری اوصاف مانند خطوط و نقوش با آن متفاوت است، عمل وی جرم موضوع این ماده نمی باشد.

۳-۲-۱- موضوع جرم

موضوع جرم آن چیزی است که جرم روی آن واقع می شود. در جرم ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی هم موضوع جرم به تصریح ماده عبارت از «آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی» است. اگر چه عبارت آثار فرهنگی - تاریخی در متن ماده به صورت مطلق آورده شده ولی بدون شک، منظور قانون گذار آثار فرهنگی - تاریخی منقول بوده، چرا که تصور ساخت، حمل و نگهداری نمونه تقلبی آثار غیر منقول نه تنها بسیار بعید، بلکه محال است. اما منظور از اموال تاریخی - فرهنگی چیست؟ در این زمینه آئین نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۷ هیئت وزیران در بند الف ماده ۱ مقرر می دارد که اموال فرهنگی - تاریخی به اموالی اطلاق می شود که نشانگر تحول حیات و هویت فرهنگی تاریخی انسان یا وقوع وقایع تاریخی در ادوار یا دوره هایی خاص باشد و به نحوی از

انحاء، گوشه ای از حرکت تاریخی- فرهنگی انسان را در مقیاس ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی نشان دهد، یا نشانگر ظهور، حیات و انقراض تمدن‌های تاریخی بوده و از محوطه‌های باستانی واقع در خشکی یا بستر دریاها، در اثر حفاری علمی یا علل دیگر کشف شود و بیش از یکصد سال از تاریخ ساخت یا ایجاد آن گذشته باشد.

۴-۲-۱- مرتکب جرم

مقنن در صدر ماده ۵۶۶ مکرر برای بیان مرتکب جرم از واژه عام «هرکس» استفاده کرده است؛ بر این اساس هر فرد ایرانی یا خارجی اعم از زن یا مرد، با هر سمتی می‌تواند مرتکب جرائم مذکور در این ماده بشود. اما در این ارتباط سؤالی که می‌تواند مطرح شود این است که آیا اشخاص حقوقی می‌توانند مرتکب این جرائم شوند؟ و بر فرض مثال در صورت ارتکاب چنین جرائمی توسط این اشخاص، آیا می‌توان آنها را تعقیب و مجازات نمود؟ در پاسخ باید گفت اگر چه معمولاً عبارت «هر کس» منصرف به اشخاص حقیقی است، لکن بدون هیچ تردیدی ارتکاب جرائم پیش‌بینی شده در ماده توسط اشخاص حقوقی نیز قابل تصور است؛ چرا که امروزه در سطح دنیا شرکت‌ها و موسسات بزرگی در زمینه کشف، شناسایی، معرفی، خرید، فروش و به معرض نمایش گذاشتن آثار باستانی فعالیت می‌کنند و این احتمال وجود دارد که فعالیت تعدادی از آنها در این زمینه‌ها غیر قانونی باشد. به علاوه ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی که در فصل نهم و زیر عنوان تخریب آثار فرهنگی تاریخی آمده است، مقرر می‌دارد که «در جرائم مذکور در این فصل (ماده ۵۶۶ مکرر را نیز شامل می‌شود) که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود هر یک از مدیران و مسئولان که دستور دهنده باشند، بر حسب مورد، به مجازاتهای مقرر محکوم می‌شوند». لذا این خود دلیلی کاملاً قاطع بر این مدعاست. بر اساس این ماده، در صورت ارتکاب این جرائم توسط اشخاص حقوقی هر یک از مسئولان و مدیران دستور دهنده به مجازاتهای مقرر محکوم می‌شوند. در این ماده قانونگذار در حقیقت برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری قائل نشده بلکه صرفاً مسئولیت مدیران و مسئولان دستور دهنده را مدنظر قرار داده است. لازم به ذکر است که مجازات مسئولان و مدیران دستور دهنده نافی مسئولیت کیفری اشخاصی که با علم و آگاهی مباشرت به جرائم مذکور در این فصل و به دستور این اشخاص نموده‌اند نیست و آنها نیز برابر مقررات محکوم و مجازات خواهند شد.

۵-۲-۱- وسیله جرم

این جرم اصطلاحاً از جرائم وسیله‌ای است یعنی عمل مرتکب با استفاده از وسائل خاصی قابل انجام است. به عبارت دیگر برای ساختن یک اثر فرهنگی - تاریخی باید از ابزار و ادوات خاصی استفاده کرد. به عنوان مثال برای ساختن نمونه تقلبی یک شمشیر متعلق به ادوار گذشته باید از فلز مخصوصی که برای ساخت آن لازم است، مانند آهن و فولاد استفاده کرد لذا ساختن چنین شمشیری با چوب مصداق ماده نخواهد بود. همین‌طور برای ساختن نمونه تقلبی ظرف نقره ای متعلق به ادوار گذشته باید از نقره یا مواد شبیه آن استفاد کرد؛ همین‌طور برای ساختن هر نوع وسیله تقلبی دیگر. بدین ترتیب جرم مذکور از جرائمی است که برای تحقق آن استفاده از وسائل خاص (هرچند نه محدود و منحصر به یک یا دو وسیله) لازم است.

۶-۲-۱- نتیجه جرم

مقنن در متن ماده، نتیجه خاصی را برای تحقق جرم «ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی» در نظر نگرفته است؛ بنابراین جرم مذکور از زمره جرائم مطلق است که برای تحقق آن صرف انجام عمل، که در قسمت «عمل مرتکب» مورد بحث قرار گرفت، کافی است.

۳-۱- رکن روانی جرم ساختن نمونه تقلبی اموال تاریخی - فرهنگی

علاوه بر رکن قانونی و رکن مادی برای تحقق هر جرمی وجود رکن روانی هم ضروری است؛ رکن روانی به معنای فعل و انفعالات ذهنی مجرم یا رابطه خاص ذهنی و روانی است که بین فاعل فعل مجرمانه و جرم برقرار می‌شود. (میرسعیدی، ۱۳۷۳، ۶۷) از حیث رکن روانی برای تحقق جرم ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی مثل هر جرم دیگری سوءنیت عام لازم است و آن عبارت است از اینکه مرتکب با علم به رکن مادی جرم از روی اراده، عمل ساختن نمونه تقلبی این آثار را انجام دهد.

اما از حیث لزوم یا عدم لزوم وجود سوءنیت خاص یعنی اینکه قصد تقلب یا اضرار لازم است یا خیر می‌توان با یاری جستن از مباحث جعل موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. برخی در ارتباط با جرم قلب سکه که شباهت به جرم ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی دارد، معتقدند که قلب سکه نوعی جعل و از اقسام آن می‌باشد؛ بنابراین تابع اصول و قواعد کلی ناظر به جعل می‌باشد (سالاری، ۱۳۸۶، ۲۵۶). بر اساس این دیدگاه می‌توان جرم ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی را هم تابع اصول و قواعد ناظر به جعل دانست. در ارتباط با لزوم وجود سوءنیت خاص در جرم جعل بین حقوقدانان اختلاف نظری وجود ندارد اما در اینکه این سوءنیت خاص چیست، بین آنها اختلاف نظر است. مطابق دیدگاه اول سوءنیت

خاص در جرم جعل و همچنین قلب سکه، قصد تقلب یا اضرار است. بدین معنا که شخص قصد داشته باشد که با حيله و فریب ضرری به افراد اعم از حقیقی یا حقوقی و از جمله دولت وارد آورد. به عبارت دیگر این دیدگاه مبتنی بر این است که مرتکب حتماً باید قصد وارد آوردن ضرر به دیگران را داشته باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳، ۳۵۱، ۳۱۲). مطابق دیدگاه دوم سونیت خاص عبارت است از علم مرتکب دایر بر اینکه ممکن است در نتیجه قلب حقیقت ضرر مادی یا معنوی متوجه شخص دیگر یا جامعه گردد، و همین اندازه علم کافی است و ضرورتی ندارد که قصد و نیت وی نیز واقعاً و مخصوصاً اضرار به غیر یا فریب شخص ثالث باشد (سالاری، ۱۳۸۶، ۱۶۲، ۲۶۶؛ پیمانی، ۱۳۸۵، ۱۲۰؛ گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۴۸۸؛ شامبیاتی، ۳۸۰، ۱۱۴).

در توجیه این نظر «گارو» حقوقدان بزرگ فرانسوی در جلد چهار کتاب خود با عنوان مطالعات عملی و نظری در حقوق جزا عنوان می‌کند که نظریه آن دسته از حقوقدانان کیفی که در تحقق رکن روانی جرم جعل قصد ورود ضرر به دیگری را توسط جاعل حتمی می‌دانند، قابل انتقاد و غیر منطقی است، زیرا جاعل معمولاً به هنگام ارتکاب عمل به شخص معینی که در اثر آن متضرر می‌شود اندیشه نمی‌کند بلکه به اهداف خویش که جلب منفعت یا دفع ضرر برای خود یا دیگری است، می‌اندیشد» (به نقل از سالاری، ۱۳۸۶، ۱۶۳). به نظر می‌رسد از بین دو دیدگاه فوق راجع به سوءنیت خاص در جرم جعل دیدگاه اول صائب تر است، زیرا در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی که به نوعی به تعریف جرم جعل پرداخته، صراحتاً عبارت «قصد تقلب» که قصد اضرار هم در دل آن قرار دارد به کار رفته است. با این اوصاف اگر معتقد به پیروی قواعد این جرم از جرم جعل و نیز جرم قلب سکه باشیم، بایستی وجود قصد تقلب یا اضرار در جرم ساخت نمونه تقلبی آثار تاریخی - فرهنگی را هم لازم بدانیم. از عبارت «به جای اثر اصلی بسازد» در متن ماده هم نوعی از قصد تقلب قابل استنباط است، یعنی قصد آن را داشته باشد که به جای اثر اصلی قلمداد کند.

۲- جرم معرفی، حمل یا نگهداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی

۲-۱- رکن قانونی

رکن قانونی این جرم نیز ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۸۸ است که به موجب آن «هرکس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را... به قصد عرضه، قاچاق، یا فروش، معرفی، حمل، یا نگهداری کند... به حبس از ۹۱ روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود».

۲-۲- رکن مادی جرم

برخی از اجزای رکن مادی این جرم مشترک با جرم قبلی است که از تکرار مطالب خودداری می‌شود ولی برخی دیگر مختص به همین جرم است که به شرح ذیل به بیان آنها می‌پردازیم:

۲-۲-۱- عمل مرتکب

مقنن برای بیان عمل مرتکب در این ماده از عبارت «معرفی، حمل یا نگهداری» استفاده کرده است؛ بنابراین عمل مرتکب می‌تواند به یکی از این صور انجام شود که به شرح ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم:

الف- معرفی

معرفی در لغت به معنای شناساندن امری به دیگری (معین، ۱۳۸۶، ج ۳، ۴۲۲۸) آمده است. در ماده ۵۶۶ مکرر، منظور از معرفی این است که مرتکب با رفتار خویش نمونه تقلبی را به قصد عرضه، قاچاق، یا فروش به دیگران می‌شناساند. بدیهی است که این رفتار مبتنی بر یک فعل مثبت است؛ زیرا تصور اینکه معرفی با ترک فعل محقق شود محال است. طریقه و شیوه معرفی کردن نیز از نظر مقنن از اهمیت چندانی برخوردار نیست و ارتکاب به شیوه‌های گوناگونی قابل تصور است، مثلاً از طریق کاتالوگ، فیلم یا حتی آگهی. اما مسئله قابل بحث در این ارتباط این است که مرتکب باید نمونه تقلبی را با چه عنوانی معرفی کند؟ به عبارت دیگر آیا لازم است که شیء تقلبی را به عنوان نمونه اصلی جا بزند تا مشمول ماده شود یا به هر عنوانی اعم از اصل یا نمونه تقلبی معرفی کند باز مشمول ماده است؟

در رابطه با این سؤال دو نظر می‌تواند مطرح شود؛ نظر اول این است که مرتکب باید با علم به اینکه شیء تقلبی است آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش به عنوان اثر اصلی معرفی کرده تا مشمول ماده شود و الا عمل وی جرم نمی‌باشد.

بر اساس دیدگاه دوم مهم نیست که متهم آثار تقلبی ساخته شده را با چه عنوانی به دیگران معرفی کند بلکه مطابق ماده آنچه مهم است عبارت است از اینکه وی با علم به تقلبی بودن شیء، به همان مقاصد ذکر شده در قانون عمل معرفی را به هر عنوانی انجام دهد.

در مقام بررسی این دو دیدگاه به نظر می‌رسد که تفسیر دوم منطقی‌تر و عقلایی‌تر باشد؛ به این دلیل که اولاً قدر متیقن ماده اقتضای چنین تفسیری را دارد؛ ثانیاً منظور از معرفی در این ماده این است که متهم به دیگران اعلام کند که چنین اثری وجود دارد و دارای چنین ویژگی‌هایی است. بنابراین تصریح به اینکه اصل است یا نمونه تقلبی ساخته شده، تاثیری در

تحقق جرم ندارد. به علاوه فرضی را در نظر بگیریم که در آن «الف» به قصد فروش چنین اثری، آن را به عنوان تقلبی به «ب» معرفی می‌کند. «ب» نیز اقدام به خریداری اثر می‌کند. در چنین فرضی اگر دیدگاه اول را بپذیریم، نتیجه این می‌شود که خریدار را به خاطر خرید چنین اثری مجازات کنیم اما فروشنده را تبرئه نماییم که چنین امری کاملاً غیر منطقی و خلاف مقصود مقنن است.

در این ارتباط نکته قابل ذکر این است که صرف معرفی با همان مقصد ذکر شده برای تحقق جرم کفایت می‌کند و نیازی نیست که حتماً عرضه، قاچاق یا فروش صورت گیرد اما اگر شخص پس از معرفی موفق به فروش شود، آیا جرم دیگری محقق نمی‌شود؟ در ارتباط با این سؤال باید عنوان کرد که اگر شخص نمونه تقلبی را به جای اصلی معرفی نماید و خریدار نیز فریب خورده و آن را به عنوان اثر اصلی خریداری نماید علاوه بر جرم موضوع این ماده، کلاهبرداری نیز محقق شده و مرتکب، مستحق مجازات جرم کلاهبرداری و بزه معرفی نمونه تقلبی آثار فرهنگی تاریخی از باب تعدد معنوی خواهد بود.

ب- حمل

حمل در لغت به معنای نقل کردن و بردن چیزی از جایی به جای دیگر آمده است (همان، ج ۱: ۱۳۷) که عمل فیزیکی و رفتار مجرم را در این بزه تشکیل می‌دهد. در واقع شخص با علم به تقلبی بودن آثار به قصد عرضه، قاچاق و یا فروش، آنها را حمل می‌کند. البته لازم به ذکر است که در نقل و انتقال این آثار از محلی به محل دیگر لازم نیست که خود مرتکب شخصاً مباشرت به حمل آن بنماید، بلکه نقل و انتقال این اشیا از طریق پست یا از طریق موسسات باربری نیز در حکم حمل توسط خود مرتکب است.

ج- نگهداری

معمولاً در بررسی ارکان یک جرم رفتار مرتکب را در بحث عنصر مادی آن جرم و تحت عنوان فعل یا ترک فعل و در برخی موارد فعل ناشی از ترک فعل مورد بحث قرار می‌دهند اما در بعضی موارد «ظاهراً فعلی صورت نمی‌گیرد و واکنش مثبت یا منفی به منصفه ظهور نمی‌رسد، هر چند در حقیقت عملی در گذشته صورت گرفته که قانون‌گذار نتایج آن را در زمان حاضر مجازات می‌کند. برای مثال قانون، داشتن یا نگهداری بعضی از اشیا را جرم می‌شناسد و دارنده و نگهدارنده آن را مجازات می‌کند» (صانعی، ۱۳۸۲، ۳۱۷). این امر در بحث نگهداری نمونه تقلبی آثار تاریخی - فرهنگی نیز صدق می‌کند. به هر حال می‌توان با کمی مسامحه، نگهداری را شامل فعل مثبت دانست. این جرم «جزء جرائم مستمر است چرا که قصد مجرمانه در جرائم

مستمر در هر لحظه وجود دارد و رفتار مجرمانه تشکیل دهنده عنصر مادی مستمراً در جریان است» (گلدوزیان، ۱۳۷۸، ۱۶۳).

۲-۲-۲- وسیله جرم

برعکس جرم شق اول ماده یعنی جرم «ساختن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی»، این جرم، جرم وسیله‌ای محسوب نمی‌شود؛ بنابراین عمل معرفی کردن نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی با هر وسیله‌ای قابل انجام است؛ از جمله از طریق معرفی شفاهی، کتبی یا از طریق آگهی‌های تلویزیونی، اینترنتی و غیره.

۲-۲-۳- نتیجه جرم

این جرم هم از جرائم مطلق است یعنی از حیث رکن مادی، صرف معرفی، حمل یا نگهداری این آثار جرم موضوع ماده بشمار می‌آید و نیاز به تحقق نتیجه خاصی نیست. سایر اجزای رکن مادی این جرم و مباحث آن شامل موضوع جرم و مرتکب جرم همانند جرم قبلی است که از تکرار مطالب پرهیز می‌شود. یادآوری می‌شود همان‌گونه که در قسمت عمل مرتکب در جرم قبلی بیان شد، برای تحقق جرم ساختن نمونه تقلبی، شیء ساخته شده باید دارای ویژگی‌های ساخته شدن به جای اصل، ساخته شدن در دوران معاصر و شباهت کامل با اصل باشد. با توجه به این که این جرم یعنی «معرفی، حمل یا نگهداری» و نیز جرم مورد اشاره بعدی یعنی «خریداری» این آثار هم تابعی از آن جرم است، این ویژگی‌ها در مورد این دو جرم هم بایستی وجود داشته باشد.

۲-۳- رکن روانی جرم

جرائم «معرفی، حمل یا نگهداری» از حیث رکن روانی نیازمند سوءنیت عام و سوءنیت خاص هستند؛ سوءنیت عام عبارت است از اراده مرتکب در معرفی، حمل یا نگهداری با علم به تقلبی بودن این اشیاء. در واقع مرتکب با علم به تقلبی بودن، از روی اراده و اختیار مبادرت به معرفی، حمل یا نگهداری می‌کند. سوءنیت خاص نیز بنا بر تصریح ماده قانونی، «قصد عرضه، قاچاق یا فروش» است؛ بنابراین از حیث رکن روانی برای تحقق جرم، لازم است مرتکب با آگاهی از جعلی بودن آثار، از روی اراده و اختیار (سوء نیت عام) و به قصد عرضه، قاچاق یا فروش (سوء نیت خاص) مبادرت به معرفی، حمل یا نگهداری این آثار بنماید. بر این اساس اگر کسی این اشیاء را بدون قصد عرضه یا قصد قاچاق یا قصد فروش، معرفی یا حمل

یا نگهداری کند، مرتکب جرم موضوع این ماده نشده است، حتی اگر علامتی هم که تمیز دهنده آنها از اصل باشد، بر روی آنها حک نشده باشد.

۳- جرم خرید نمونه تقلبی اموال فرهنگی-تاریخی

۳-۱- رکن قانونی

به موجب ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی الحاقی ۱۳۸۸: «هرکس نمونه تقلبی آثار فرهنگی- تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را... با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از ۹۱ روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود».

۳-۲- رکن مادی

اجزای رکن مادی این جرم به شرح ذیل است:

۳-۲-۱- عمل مرتکب

عمل مرتکب در این جرم، خریداری نمونه تقلبی اموال تاریخی فرهنگی با علم به تقلبی بودن آنها است، که یک فعل مثبت مادی است. در حقیقت مقنن در این ماده به‌طور مطلق صرف خریداری مال موضوع جرم را عمل مجرمانه دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده و تنها شرط تحقق آن را علم خریدار به تقلبی بودن آن عنوان کرده است اما موضوعی که اینجا مطرح می‌شود این است که دلیل این اطلاق مقنن چیست؟ به عبارت دیگر چه توجیهی برای این مطلق بودن می‌توان آورد؟ به عنوان مثال، چرا باید یک کلکسیونر را که علاقه وافری به جمع‌آوری آثار بدلی باستانی دارد به صرف خریدن این آثار مشمول این ماده قرار داد و مجازات نمود؟

در جواب این پرسش‌ها شاید بتوان توجیهاتی را به این نحو مطرح نمود که اولاً قانون‌گذار این جرم را به‌عنوان یک جرم مانع و بازدارنده مد نظر داشته که بتواند از ارتکاب جرائم بعدی جلوگیری نماید. چه بسا در مثال فوق کلکسیونر مذکور حتی اگر در ابتدا هیچ سوءنیتی نداشته باشد، بعد از مدتی وسوسه شود که نمونه تقلبی را به جای اصل قلمداد نموده، عرضه کرده یا به فروش برساند. ثانیاً خریداری نمودن این آثار از سازندگان آنها به نوعی تشویق آنها به ادامه فعالیت مجرمانه است و شاید اگر چنین خریدارانی نباشند، بسیاری از جاعلین این آثار مبادرت به ساخت چنین اشیایی نکنند. ثالثاً قانون‌گذار خواسته تا از گسترش چنین معاملاتی جلوگیری شود چرا که رواج خرید و فروش این آثار در حقیقت بر میراث فرهنگی کشور ضربه وارد

آورده و سبب القای مفاهیم تاریخی جعلی می‌شود. اینها توجیهاتی است که می‌توان برای جرم انگاری این عمل آورد؛ زیرا فرض ما بر این است که قانون گذار حکیم بوده و از انجام اعمال بیهوده و عبث اجتناب می‌ورزد و الا اگر توجیهاتی که قبلاً به آن اشاره شد قابل قبول نباشد، در عمل قانونگذار راه خطا پیموده است، چون اگر خریدار هیچ سوءنیتی نداشته باشد جرم - انگاری این عمل چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. جدای از این مباحث سؤال دیگری که باید پاسخ داده شود این است که منظور از خریداری چیست؟

در جواب به این سؤال می‌توان گفت که «منظور از خریداری یا بیع در عرف داد و ستد، مبادله مال به پول است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۲۹۲). به نظر می‌رسد که منظور از خریداری در اینجا همین معنی عرفی است. حال اگر مرتکب نمونه تقلبی را از طریق معاوضه تملک کند، آیا داخل در شمول خریداری است یا نه؟ اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری ایجاب می‌کند که خریداری را مضموم معاوضه ندانیم، افزون بر این اصل تفسیر به نفع متهم نیز مقتضی چنین تفسیری است. در این ارتباط اگر شخصی، نمونه تقلبی را به عنوان هدیه قبول کند یا به اصطلاح حقوقی قبول هبه نماید باز مضموم این ماده نمی‌باشد؛ لکن این مسئله جای تأمل دارد و بر آن انتقاداتی وارد است چرا که اگر توجیه جرم انگاری خریدن این آثار را جلوگیری از ارتکاب جرائم بعدی بدانیم، آیا صرف جرم دانستن خریداری، هدف قانون گذار را تأمین می‌کند؟ چه بسا شخصی که مال موضوع جرم از طرق دیگر به وی منتقل شده نیز تحریک به ارتکاب جرائم بعدی شود. لذا معقول‌تر این بود که مقنن به جای لفظ خریداری همانند جرم مداخله در اموال مسروقه از اصطلاح تحصیل نمودن استفاده می‌کرد تا چنین اعمالی نیز داخل در شمول ماده می‌شد.

۲-۲-۳- وسیله جرم

عمل خریداری نیاز به استفاده از وسائل خاصی ندارد؛ می‌تواند به صورت شفاهی، کتبی و غیره باشد.

۳-۲-۳- نتیجه جرم

جرم خرید نمونه تقلبی اموال فرهنگی - تاریخی بسان دو جرم دیگر، جرم مطلق است و نیاز به نتیجه خاصی ندارد. سایر اجزای دیگر رکن مادی این جرم هم شامل موضوع جرم و مرتکب جرم همانند دو جرم قبلی است.

۳-۳- رکن روانی جرم

برای تحقق جرم خرید نمونه تقلبی آثار فرهنگی-تاریخی از حیث رکن روانی نیازی به سو نیت خاص نبوده و صرف وجود سونیت عام کفایت می‌کند؛ بنابراین از حیث رکن روانی کافی است که مرتکب با علم به تقلبی بودن، از روی اراده و اختیار این اشیاء را خریداری کند. از این جهت این جرم کاملاً شبیه جرم مداخله در اموال مسروقه است.

ملاحظه می‌شود که رکن روانی این جرم با دو جرم دیگر مورد بررسی فرق می‌کند. در آن دو جرم وجود سوءنیت خاص شرط تحقق جرم بود ولی برای تحقق این جرم وجود سوءنیت خاص شرط نیست. با این وصف، جرم «خرید نمونه تقلبی آثار فرهنگی-تاریخی» از زمره جرائم مطلقی است که از حیث رکن روانی برای تحقق آن وجود سوءنیت خاص شرط نیست. برعکس، دو جرم دیگر یعنی جرم «ساختن» و «معرفی، حمل یا نگهداری» این آثار از جرائم مطلقی است که از حیث رکن روانی برای تحقق آنها وجود سوءنیت خاص شرط است؛ بنابراین مطلق بودن جرم- از حیث رکن مادی- هیچ ملازمه‌ای با داشتن یا نداشتن سوءنیت خاص، که از اجزای رکن روانی است، ندارد (پوربافرانی، ۱۳۸۹، ۴۱؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ۴۷۱). ممکن است جرمی مطلق باشد و برای تحقق آن سوءنیت خاص لازم باشد، مثل دو جرم «ساختن» و «معرفی، حمل یا نگهداری» این آثار و ممکن است جرمی مطلق باشد و نیازی هم به سوءنیت خاص نداشته باشد مثل جرم «خرید نمونه تقلبی آثار فرهنگی-تاریخی». لذا این گفته‌ها که «در جرائم مطلق همین میزان از سوءنیت (سوءنیت عام) کافی برای تحقق رکن معنوی است» (آقایی نیا، ۱۳۸۴، ۶۶) یا «سوءنیت خاص فقط در جرائم مقید می‌تواند وجود داشته باشد، چون جرم مقید جرمی است که تحقق آن منوط به تحقق نتیجه است» (ساریخانی، ۱۳۸۴، ۱۱۳)، نمی‌تواند درست باشد.

۷- نتیجه

آثار فرهنگی-تاریخی به‌عنوان بخشی از هویت تاریخی یک ملت همواره نیازمند حمایت قانونی هستند تا از گزند سوءاستفاده‌های احتمالی در امان باشند. در نظام حقوقی ایران قانونگذار برای حمایت از این آثار قوانینی را در طی چند دهه اخیر تصویب کرده است. در عین حال جای ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی که به جرم انگاری سه جرم «ساختن»، «معرفی، حمل یا نگهداری» و «خرید» نمونه تقلبی آثار فرهنگی تاریخی پرداخته خالی بوده است. از حیث رکن مادی هر سه جرم مورد اشاره از جرائم مطلق‌اند که برای تحقق آنها نیاز به نتیجه خاصی نیست ولی از حیث رکن روانی برای تحقق جرم «خرید» این آثار، صرف سوءنیت عام کافی است و نیازی به سوءنیت خاص نیست اما برای تحقق دو جرم دیگر یعنی

«ساختن» و «معرفی، حمل یا نگهداری»، نیاز به سوءنیت خاص است که در «ساختن» این سوءنیت خاص، قصد اضرار یا تقلب است و در جرم دیگر، «قصد عرضه، قاچاق یا فروش». این که مقنن سه عنوان مجرمانه را که رکن روانی آنها با هم متفاوت است ذیل یک ماده قانونی گرد آورده چندان درست نیست. اشکال دیگر وارد به این ماده در خصوص جرم سوم مورد اشاره در مقاله یعنی جرم خرید این اشیاء است که قانونگذار صرف خرید این اشیاء را با آگاهی از تقلبی بودن آنها جرم دانسته و طرق دیگر تحصیل این اشیاء را جرم‌انگاری نکرده است. در توجیه جرم‌انگاری این عمل ذکر گردید که شاید هدف مقنن، پیش‌بینی این جرم به‌عنوان یک جرم مانع و به منظور جلوگیری از ارتکاب جرائم بعدی بوده و اگر واقعاً هدف این امر باشد، بهتر بود که به‌جای لفظ خریداری از اصطلاح تحصیل کردن استفاده می‌کرد تا اعمالی همچون معاوضه، هبه و... را نیز شامل می‌شد.

منابع و مأخذ

- آقایی نیا، حسین، (۱۳۸۴)، جرائم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- آوری، پیترا، (۱۳۶۳)، تاریخ معاصر ایران، رفیعی، محمد، چاپ اول، تهران، نشر عطایی.
- پاد، ابراهیم، (۱۳۵۵)، جزوه حقوق کیفری اختصاصی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پوربافرانی، حسن، (۱۳۸۹)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- پیمانی، ضیاء الدین، (۱۳۸۵)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.
- ساریخانی، عادل، (۱۳۸۴) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه قم.
- سلاری، مهدی، (۱۳۸۶)، جعل و تزویر، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۸۰)، جرائم برضد مصالح عمومی کشور، چاپ سوم، تهران، انتشارات ژوبین.
- صناعی، پرویز، (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو.
- صمدی، یونس، (۱۳۸۲)، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، قانون مدنی در نظم کنونی، چاپ نهم، تهران، نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۸)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۳)، حقوق جزای اختصاصی، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- میرسعیدی، سیدمنصور، (۱۳۸۳)، مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۶)، جرائم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۳)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.

